

دکتر محمد رضا رحمتی

استاد یار گروه تاریخ

دانشگاه یزد

m.rahmati@yazduni.ac.ir

کریم خان زند و تقی خان یزدی

چکیده

پس از کشته شدن نادرشاه به سال 1160 قمری 1747م، کریم خان زند برای تثبیت اقتدار خود در ایران باختری و مرکز آن اصفهان، درگیر نبردهای سخت 15 ساله با قدرتمندانی چون آزادخان افغان و محمدحسن خان قاجار شد. همزمان، دو ایالت مرزی آن قلمرو، یعنی یزد و کرمان، سلطه‌ی خان زند را برننافتند: کرمان سرکشی آغاز کرد و در یزد خان بافقی مشهور به تقی خان یزدی خود را مستقل خواند. نافرمانی دو ایالت، به ویژه یزد، اصفهان، مرکز بالفعل کریم خان را تهدید نموده و اقتدار او در سرتاسر قلمروش را به چالش می کشاند. خان زند پس از فتح یزد و منکوب نمودن تقی خان، در راستای استراتژی اصلی خود که همانا رفع تهدید از اصفهان و تثبیت اقتدار در قلمرو بود، خان یزدی را در سمت حکومت یزد ابقا نمود. تاکنون در این باره پژوهش مستقلی انجام نشده و نگارنده بر آن است تا با بهره گیری از مطالعات و به ویژه منابع، اهمیت اصفهان و ایران باختری در آن روزگار، جایگاه کلیدی یزد در حفظ سلطه‌ی وکیل بر شهر و ایران یاد شده و به ویژه نقش تقی خان یزدی در این راستا را تبیین نماید. ناگفته نماند که افزون بر عوامل سوق الجیشی، ملاحظات اقتصادی نیز در این باره مؤثر بوده است.

کلید واژه ها:

کریم خان زند، تقی خان یزدی، یزد، کرمان، اصفهان.

درآمد

در عصر نادری همه‌ی ایالت‌های باختری ایران، شامل آذربایجان، کردستان، لرستان، فارس، لار، سیستان، ایالت‌های محصور در میان کوه‌ها و نواحی وابسته به آن در دشت‌های دو سوی کرانه‌های خزر و گرگان؛ و نیز راه‌های تهران، دامغان و سبزوار؛ راه کویری یزد، طبس و قهستان که برای پایتخت نادر همانند یک دیوار بود؛ این همه سلسله‌ای به هم پیوسته به شمار رفته و مشهد قطب ملی - مذهبی و مرکز سیاسی و جغرافیایی آنها بود. این پیوستگی ریشه در زمان صفویه داشت. دشمنی ایران و عثمانی به بسته شدن راه زیارتی عتبات عالیات کربلا و نجف که در خاک عثمانی جای داشتند انجامید و شاهان صفوی برای جبران این پدیده تبلیغات گسترده‌ای درباره‌ی مشهد انجام دادند و این مرکز زیارتی شیعه در ایران اهمیتی روز افزون یافت. اقتدار و جاذبه‌ی نادری هم به رغم تردیدها درباره‌ی ثبات حکم جانشینانش، گروه‌های یاد شده و آن حوزه گسترده را تا سال‌ها پس از مرگ جهانگشای افشار، حول محور مشهد نگاه داشت. در طول این دوران، شیفتگی مردم ایران به تشیع و آئین‌های با شکوه صفوی و مقاومت پنهانشان در برابر کیش تازه‌ی نادری همچنان ادامه یافت. بعدها به تدریج آشکار گردید که هیچ‌یک از جانشینان نادر قدرت و جاذبه‌ی شخصی وی را نداشتند. از این روی، ایالت‌های باختری با ترشروی و خشم به سوی رژیم قدیم: صفویه، تغییر رویکرد دادند. محوری در طول کوه‌های زاگرس از تبریز تا بندرعباس گسترش یافت و مرکز ثقل آن شهر اصفهان بود. این محور همانند صفحه‌ی ساعت در میان شیراز و تهران، یعنی پایتخت‌های بعدی جای داشت.⁽¹⁾ مهمترین ناحیه‌ی این محور، سرزمین عراق عجم بود که دو قطب آن نیز شیراز و تهران بودند. یکی از دو قطب بر دروازه‌ی آذربایجان و ایالات ساحلی دریای خزر و دیگری شامل فارس و اراضی ساحلی خلیج فارس از خوزستان تا لار بود. برای سلطه بر ایران باختری بایستی هر دوی اینها را در دست داشت. بی توجهی به یکی، تقویت دشمن در قطب ضعیف تر و فروپاشی نهایی آن را در پی داشت. برای نمونه، هنگامی که در سال 1763م. زکی خان در اصفهان - مرکز قلمرو زندیه - شورش کرد، کریم خان توانست با گذار از تهران از طریق خمسه شورش را سرکوب کند. اصفهان مرکز عراق عجم نیز بود، پس برای در دست داشتن دو قطب، سلطه بر آن بایسته می نمود.⁽²⁾ بدین سان، اصفهان افزون بر اهمیت سیاسی - تاریخی، از موقعیتی سوق الجیشی در مهمترین بخش ایران آن روز، یعنی نیمه‌ی باختری آن برخوردار بود و برای سلطه بر آن نقشی کلیدی داشت. تلاش و رقابت سرداران قدرتمند، پس از کشته شدن نادر برای سلطه بر آن شهر، گویای همین واقعیت است.⁽³⁾ اصفهان برای برنده‌ی این جنگ قدرت یعنی کریم خان زند اهمیت ویژه نیز داشت.

همان گونه که گذشت، یک قطب مهمترین ناحیه‌ی ایران باختری یعنی عراق عجم و یکی از پایتخت‌های آینده بر دروازه‌ی کرانه‌های خزر، کانون بزرگترین خطر بالقوه برای حکومت زند، جای داشت. هم از این روی، اصفهان، میان مرکز زندیه در فارس و تهدید قاجارها در مازندران، برای خان زند از ارزشی استراتژیک برخوردار و برای پایتختی هم از شیراز مناسب تر بود.⁽⁴⁾ پس، سلطه‌ی کریم خان نیز بر عراق عجم، ایران باختری و به ویژه کرانه‌های خزر به سلطه‌ی وی بر اصفهان بستگی داشت⁽⁵⁾ و خان زند به ثبات و امنیت بخش مرکزی امپراطوری خود، یعنی اصفهان و نواحی آن اهمیت بسیار می داد.⁽⁶⁾ اصفهان پایتخت رسمی ایران بود. ولی ادارات تابعه‌ی وکیل در پایتخت بالفعلش شیراز از ادارات اصفهان مهمتر بود. با این حال، وظایف این ادارات در برخی موارد محدودیت و یا گسترش می یافت.⁽⁷⁾

ناگفته نماند که ارتش وکیل نیز از اهالی همان ایالت‌های نیمه‌ی باختری ایران و غیر ترک بود. عراق عجم در تشکیل این ارتش 45000 نفری سهم عمده و در پیروزی‌های آن نقش اصلی را داشت. عمده‌ی ارتش که حدود نیمی از آن را شامل بود و بدنه‌ی اصلیش به شمار می رفت، بیشتر از طوایف لر: زند، کلهر، وند و لرهای فیلی بود که هنگام قیام کریم خان برای تسلط بر نواحی پیرامون همدان، کرمانشاه و بروجرد با وی همکاری کرده بودند. 12000 نفر از تفنگچیان زنده از مراکز شهری عراق عجم مانند قم، کاشان، اصفهان، قمشه، آباده و یزد برگزیده شده و باقی نیروها از اهالی ایالت‌های فارس و خوزستان و بختیاری‌ها بودند.⁽⁸⁾

بر پایه‌ی آنچه که گذشت، کریم خان زند سردودمان پارسی‌زبانانی بود که توانسته بودند در اثر از دست رفتن همبستگی طوایف ترک زبان، روزگاری چند قدرت را در زاگرس میانی و جنوبی از آن خود سازند. موجزترین و دقیق‌ترین تعریف درباره‌ی قلمرو خان زند از سوی عبدالزراق بگ ارائه شده است. به نوشته‌ی عبدالزراق قلمرو یاد شده از سواحل جنوبی رود ارس تا تنگه‌ی هرمز را شامل بود و وکیل گاه از نواحی حاشیه‌ای مانند قره باغ و ایروان، عمان، کردستان و دشتستان به اخذ باج و خراج‌های تصادفی بسنده می نمود.⁽⁹⁾ مزر طبیعی کویر لوت این حوزه را از سرزمین افشاریه‌ی تابع احمد شاه درانی جدا می کرد. یادآوری می شود که پیشتر نیز راه کویری یزد، طبس و قهستان برای پایتخت نادر همانند یک دیوار بود.⁽¹⁰⁾

از آن جا که قلمرو وکیل در خشکی با مناطق مختلف محصور بود، به لحاظ ژئوپلیتیک حوزه‌ای یکدست به شمار رفته و جدائیش از نیمه‌ی شرقی ایران، نه تنها در موقعیت آن تأثیر چندانی نداشت، بلکه در مقایسه با آن نیمه از بالندگی بیشتر نیز برخوردار بود. مواد خام، کالاهای کارخانه‌ای و راههای بازرگانی در دسترس، از دوره‌ی نادری در نیمه‌ی باختری ایران، قلمرو کریم خان، رشد کمی و کیفی قابل ملاحظه داشت.⁽¹¹⁾

نا آرامی در مرزهای شرقی

به رغم گسترش شایعات در ایران باختری درباره‌ی حمله‌ی احمد شاه درانی به اصفهان، اردوکنشی نامبرده به سبزواری و مزیان برای معرفی مرزهای طبیعی حوزه‌ی نفوذش انجام شد. افزون بر این، شیوه‌ی برخورد وی با شاهرخ نشان داد که شاه افغان در پی آنست تا از حوزه‌ی سلطنتی نوه‌ی نادر، میان غرب پره‌رج و مرج و قلمرو دولت رو به تکوین خود، حائلی

نیرومند بسازد. گفته می شود که شاه یاد شده و کریم خان در این باره به طور خصوصی به توافق رسیده بودند. طی دوره‌ی دوازده ساله‌ای که تلاش های احمد شاه برای دستیابی به این هدف به ثمر رسید، مساعی خان زند جهت تحکیم سلطه بر ایران باختری با مرکزیت اصفهان نیز می بایست به انجام رسد. بر پایه‌ی آنچه که گذشت، خراسان نادری برای وکیل تهدید به شمار نمی رفت⁽¹²⁾ و گرفتاری وی برای تحکیم سلطه بر ایران میانی، جنوبی و به ویژه باختری در یزد و کرمان آغاز شد.

1 - کرمان

این دو ایالت که مدتی مدید ظلم و ستم پادگان بیگانه‌ی نادری، که عمدتاً ترکمن و افغان بودند، را تحمل کرده بودند، در مرگ جهانگشای افشار شیوه‌ای محافظه کارانه در پیش گرفته، منتظر ماندند و در نخستین فرصت سر به شورش انتقامجویانه برداشته، با هدف کسب استقلال، در برابر کریم خان گردنکشی آغاز نمودند.⁽¹³⁾ کرمان شرقی ترین ایالت قلمرو زندیه به شمار آمده، بدان روزگار، در مسیر یورش ها و تاخت و تازها قرار نداشت و افزون بر آرامش سستی از رونق بازرگانی هم برخوردار بود.⁽¹⁴⁾ این انزوای همراه با موقعیت خوب اقتصادی باعث گردید تا آن ولایت، بر خلاف دیگر ولایات ایران آن هنگام تمرکز گریز و خواهان استقلال باشد.

در زمان نادر، حکومت کرمان از آن مؤمن خان بافقی بود. نامبرده توانسته بود یزد و ابرقو را هم به قلمرو حکومتی خود بیفزاید. مؤمن خان پس از چندی دچار اغتشاشات محلی شد. در بحران فراگیر سیاسی پس از کشته شدن نادر و طی دوره‌ای که عادلشاه و جانشینانش درگیر جنگ قدرت و کشتار یکدیگر بودند، شاهرخ خان افشار با راندن مؤمن خان از کرمان، بر شهر سلطه یافت.⁽¹⁵⁾ با آن که کرمان از جوانب مختلف و از سوی گروه های گوناگون مورد حمله و تاراج قرار گرفته،⁽¹⁶⁾ دچار نا امنی و قحطی سختی شده بود، شاهرخ خان دست کم توانست مرکز سیاسی ایالت را از بحران برهاند و از سال 1163 هـ ص 1750 م، مستقلاً حکومت کند او حتی بخشهایی از سیستان را مطیع خود ساخت.⁽¹⁷⁾ با این همه در حدود سال 1171 هـ ص 1754 م، وی از سوی خویشاوند خود رستم خان و دیگرانی چون محمدرضا خان و تقی خان بمی که از فرماندهان مورد علاقه‌ی مردم بود، مورد حمله قرار گرفته، افزون بر آنکه زان پس توانست قلمرو خود را گسترش دهد، زمینه‌ی آسیب دیدن وجهه و محبوبیتش نزد مردم نیز فراهم آمد.⁽¹⁸⁾ در چنین شرایطی و در حالی که پس از کشته شدن نادر، مدعیان حکومت کرمان با یکدیگر درگیر شده بودند، زمینه‌ی جدایی یزد از کرمان از سوی تقی خان بافقی فراهم گردید.⁽¹⁹⁾

2 - یزد

الف - جایگاه اقتصادی

ایالت کوچک یزد با مسافتی برابر میان ایالت های اصفهان و کرمان جای داشت،⁽²⁰⁾ از این روی، همواره تابع فرمانروایان یکی از آن دو ایالت بود.⁽²¹⁾ یزد در گذشته شهری بزرگ و پرجمعیت⁽²²⁾ و از ارزش بازرگانی ویژه برخوردار بود. این شهر در مسیر راههای مهم تجارتي ایران جای داشت و مهمتر آنکه یک مرکز بازرگانی عمده میان هندوستان، ایران و بغداد به شمار می رفت که امنیتش زبازند همه‌ی مسافران و بازرگانان بود. پارچه‌های ابریشمی مرغوب تولیدی آن، قماش یزدی نیز از شهرت جهانی برخوردار و هدیه‌ای گرانبها بود و هم از این روی، یزد تجارتي شکوفا داشت. بر این اساس، شهر بالقوه

مهمترین مرکز بازرگانی ایران به شمار می رفت و بر سر شاهراه کاروانی بندرعباس و شیراز به نائین، کاشان و اصفهان و به طور کلی در مسیر شاهراه‌های بازرگانی جنوب به تهران و شمال و راه اصلی به شرق ایران جای داشت. کالاهای بازرگانی از شیراز و بندرعباس به یزد رسیده و از آن جا قسمت عمده‌ی آن به تهران و بخشی هم به اصفهان صادر می شد. کالاها از تبریز، با گذار از تهران به یزد رسیده به شرق یعنی هرات صادر می شد. شهر برای تجارت انگلیس در خلیج فارس نیز اهمیت ویژه داشت.⁽²³⁾ زیرا کالاهای بازرگانی انگلیسی ها از بنادر جنوب ایران به آسانی به آن حمل می شد.

یزد و کرمان به عنوان مراکز قدیم صنعتی و به لحاظ بازرگانی زمینی ایران عصر صفوی و هندوستان انبار کالاهای مهمی به شمار می رفتند. ولی به روزگار فترت ضعف صفویه و پس از سقوط آن، به ویژه با ناامن شدن راهها، تجارت زمینی بسیار آسیب دید. با کاهش آمد و شد زمینی، رونق تجارت دریایی و پیشرفت بندرعباس به عنوان یک پایگاه بازرگانی، تجارت دو شهر منحصر به مواد خامی مانند ابریشم و تریاک در یزد، موی بز، مس و آهن در کرمان گردیده و از هر لحاظ دچار سیر قهقرایی شد. با این حال، یزد با مرکزیت و جایگاه ممتازش به عنوان یک مرکز صنعتی - بازرگانی کمتر آسیب دید⁽²⁴⁾ و همچنان یکی از ایالت‌هایی بود که املاک خاصه به شمار می رفتند.⁽²⁵⁾ عمده درآمد دربارها در ایران از این ایالت‌ها به دست می آمد.

ب - استقلال

یزد، به رغم جایگاه اقتصادی ممتازش، شرقی ترین ایالت پارس خاصه، مرکزی در دل کویر و در کنار یک صحرای بزرگ شنی، با فاصله‌ای اندک از زاگرس میانی،⁽²⁶⁾ گذرگاه و در معرض یورش مهاجمان به ویژه از آسیای میانه بود.⁽²⁷⁾ در حدود سال 1161 هـص 1748 م. گروه کوچکی تحت فرمان اللهیار خان افغان که پیشتر از اصفهان رانده شده بود، یزد را تاراج کردند. سال ها بعد، در اواخر سال 1168 هـص 1754 م.، پس از آنکه آزادخان در کمارج شکست خورد و عقب نشینی از فارس را آغاز کرد، محمد امین خان حاکم وی در یزد به دستور فرماندهش مالیاتی 50000 تومانی از مردم ستاند و شهر را به ویرانه‌ای بدل نموده، سرانجام خود از آن گریخت. پس از آن رفیع خان عرب عامری که در ستیزه با آزادخان نواحی پیرامون بیابانک را تصرف کرده بود، عزم اشغال شهر خالی از سکنه را نمود. ولی دسته‌های مختلف شهری که اینک تقی خان آنان را رهبری می کرد، با موفقیت از شهر دفاع کردند. رفیع خان کشته شد.⁽²⁸⁾

جایگاه ممتاز اقتصادی، همزمان با نامن بودن و انزوای شهر یزد باعث می گردید تا حاکمان آن همواره خواهان امتیازاتی از دولت مرکزی به ویژه در امر مالیات و خودمختاری باشند.⁽²⁹⁾ تقی خان هم سودای استقلال داشت و پیشتر حاکم نادری را از شهر رانده بود.⁽³⁰⁾ او تا پیش از سال 1168 هـ ص 1754 م عنوان میرزا تقی مستوفی یزد را دارا بود و ضمن تلاش و زمینه سازی برای کسب استقلال، با سه قدرت برتر ایران آن زمان: کریم خان زند، آزاد خان افغان و محمد حسن خان قاجار روابط دوستانه‌ی همانند داشت تا پس از پایان جنگ قدرت میان آنان، برنده‌ی تاج و تخت ایران، وی را بر حکومت یزد ابقا نماید.⁽³¹⁾ ولی اینک که او توانسته بود با بسیج مردم، حمله‌ی رفیع خان را دفع نموده و اوضاع یزد را سامان بخشد، با برخورداری از پشتوانه‌ی مردمی و بهره گیری از درگیریها میان آزاد خان، محمد حسن خان قاجار و کریم خان زند یزد را مستقل ساخت.⁽³²⁾ حکومت مستقلانه‌ی میرزا تقی که زان پس خود را تقی خان می خواند، در همان سال 1168 هـ ص 1754 م آغاز شد و چهار سال دوام یافت.

اهمیت یزد نافرمان برای وکیل

یزد، افزون بر جایگاه اقتصادی ممتازش، بازار خوبی برای فارس، سرزمین پایتخت وکیل نیز بود: برخی کالاها و فرآورده های ایالت فارس به یزد صادر و گندم و جو وارداتی دیار دارالعباده از فارس وارد می شد.⁽³³⁾

یزد به لحاظ اداری هم برای وکیل اهمیت داشت: مناطق لار، کرمان، جنوب ایران، آذربایجان جنوبی، ایالت های زاگرس، خوزستان، کرانه های خلیج فارس و به طور کلی قلمرو حکومتی کریم خان، بنا به موقعیت اداریشان به یکدیگر پیوستگی داشته‌اند.⁽³⁴⁾ و یزد با توجه به مرکزیتش در این حوزه‌ی یکدست، مرکزی مهم به شمار می رفت. ولی برجسته ترین مزیت یزد برای کریم خان، جایگاه سوق الجیشی آن بود. همان گونه که پیشتر آمد، ایالت کوچک یزد، با فاصله‌ای برابر میان ایالت های اصفهان و کرمان جای داشت و همواره تابع یکی از آن دو ایالت بود. بدین روی، یزد حلقه اتصالی استراتژیک میان دو ایالت بزرگتر بود. هم از این روی، سلطه‌ی حاکمی مقتدر بر کرمان، یزد و سپس اصفهان را هم تهدید می نمود. و با توجه به مرکزیت اصفهان در قلمرو وکیل، چنین تهدیدی اقتدار و چه بسا حاکمیت او را سخت به چالش می کشاند. همزمان، مقاومت سرسختانه‌ی کرمان، که همان گونه که گذشت پیشتر اعلام استقلال نموده و کریم خان که سراسر ایالات باختری و مرکزی ایران تحت فرمان وی قرار داشت را سخت به استهزاء گرفته بود.⁽³⁵⁾

یزد هم مانند کرمان سرسختی نشان می داد. در سال های آغازین پس از استقلال ایالت از سوی تقی خان، محمد حسن خان قاجار، قدرتمندترین رقیب کریم خان، هنوز زنده بود. خاستگاه و مرکز اصلی قاجارها، حوزه‌ی شمالی البرز، استرآباد و نسبت به قلمرو اقتدار خان زند یعنی زاگرس، از یزد بسیار دور بود. از این روی، تابعیت تقی خان از محمد حسن خان، افزون بر برخورداری خان یزدی از حمایت مردی مقتدر در برابر کریم خان، امکان حفظ استقلال یا دست کم خودمختار شدن یزد در صورت پیروزی خان قاجار را افزون می ساخت. ناگفته نماند که در آن سالها محمد حسن خان موقعیتی برتر از وکیل داشت. بر این اساس، طی سالهای 74-1170 هـ ص 8-1756 م، هنگامی که کریم خان درگیر جنگ قدرت با رقیبان و گرفتار نبرد با اعراب بنی کعب در خوزستان و نصیرخان لاری بوده، در پایتختش شیراز هم موقعیت چندان خوبی نداشت،

تقی خان با بهره گیری از موقعیت، نافرمانی در برابر وکیل را به اوج رساند⁽³⁶⁾ و سپاه زند ناچار به درگیری در جبهه‌ای دیگر یعنی نبرد با تقی‌خان یزدی نیز شد. در اوائل سال 1170 هـ ص مارس 1756 م، همزمان با سلطه‌ی زندیه بر اصفهان، علی محمد خان حاکم زندی اصفهان، یزد را برای دریافت مالیات 25000 تومانی محاصره کرد ولی تقی خان وی را شکست داد و ناگزیرش ساخت که به اصفهان باز گردد. در پایان سال بعد، یعنی در 1171 هـ ص 1757 م نیز، صادق خان زند از سوی وکیل مأمور اردوکشی به یزد و دریافت 7000 تومان جریمه از تقی خان شد. این اردوکشی هم که متشکل از سربازان بینیجه‌ی لاری علی خان پسر نصیرخان لاری بود، با توجه به کاستی تجهیزات و تدارکات آن، احتمالاً به شکست انجامید.⁽³⁷⁾ با این همه و بر پایه‌ی آنچه که درباره‌ی جایگاه سوق الجیشی کرمان، به ویژه یزد و نقش کلیدی آن در حفظ اقتدار وکیل نوشته آمد، او می‌بایست دو ایالت هم مرز با قلمرو شاهرخ تحت الحمایه‌ی افغان‌ها، به ویژه ایالت یزد را مطیع می‌گرداند.

تثبیت سلطنت وکیل

سرانجام در 1171 هـ ص سپتامبر 1758 م، زمانی که کریم خان و سپاهیان زند در تعقیب محمدحسن خان آهنگ شمال نموده بودند، توانستند وارد یزد شوند. برای صرفه جویی در وقت، زکی خان با سیصد سوار، پیشاپیش به شهر گسیل شد. در پگاه سومین روز، سپاهیان زکی خان به یزد رسیده و توانستند به کاخ حاکم نفوذ کنند. آنان فرماندهی نگهبانان را دستگیر نموده، وی را متقاعد ساختند تا ایشان را نزد تقی خان راهنمایی کند تا با او درباره‌ی کریم خان مشورت کنند. این نیرنگ مؤثر بود و نگهبانان کاخ مغلوب گردیدند. تقی‌خان از بستر خواب مستقیماً به زندان برده شد و زکی خان توانست 12000 تومان از او بستاند.⁽³⁸⁾ به دستور وکیل، خان یزدی به جرم همکاری با آزاد خان و به ویژه محمد حسن خان قاجار از حکومت یزد بر کنار گردید و آقا محسن یزدی به حکومت شهر گمارده شد.⁽³⁹⁾ خان معزول پیش از ترک یزد ناگزیر به پرداخت 15000 تومان به طلبکارانش گردید.⁽⁴⁰⁾

همان گونه که گذشت، کرمان نافرمان یزد را تهدید نموده و با سقوط یزد، اصفهان تهدید می‌شد. اصفهان هم مرکز حکومت زند و تهدید آن به معنای در خطر شدن آن حکومت بود. بدین روی، یزد در حفظ اقتدار وکیل نقش کلیدی داشت و او می‌بایست بر یزدی مقتدر و باثبات فرمان می‌راند. در این راستا تقی خان تأثیر گذار می‌نمود. با آن که تقی خان به دلیل تعدیاتش به مردم خود، از سوی آنان و نیز همسایگان دچار دردهایی شد که به ترضیع وی انجامید،⁽⁴¹⁾ اقدامات عمدتاً عمرانی - رفاهی او در یزد،⁽⁴²⁾ به مردم آن فهماند که وی از حاکمان پیشین شهر به مراتب بهتر و دادگتر است.⁽⁴³⁾ خان یزدی چند هزار تفنگچی کارآموده‌ی بافقی و بهابادی نیز در اختیار داشت.⁽⁴⁴⁾ با این پشتوانه‌ی مردمی - نظامی، سیاستمدار کهنه کار از هر دولتمرد یزدی دیگری برای ایستادگی در برابر کرمان بایسته‌تر می‌نمود. افزون بر اینها، سیاستمداران بافقی از زمان صفویه بر کرمان (و گاه یزد و کرمان) فرمان می‌راندند؛ ولی خان بافقی در زمان شاه عباس حاکم کرمان شد و زان پس تا پایان سلطنت نادر حکومت آن ایالت در دست خاندان وی بود: مومن خان، خلف ولی خان، که در پایان سلطنت نادر حکومت کرمان داشت، توانسته بود یزد و ابرقو را هم به قلمرو حکومتی خود بیفزاید.⁽⁴⁵⁾ تقی خان نیز سیاستمداری بافقی بود و برادر بزرگش پیشتر در دستگاه مومن خان منصب والا داشت.⁽⁴⁶⁾ خان یزدی هم چه بسا افزون بر یزد به حکومت کرمان نیز

چشم داشت. هم ازین روی، حکومت تقی خان از سوی کریم خان بر یزد، مطمئناً آن ایالت را با ثبات و فرمانبردار ساخته و در سلطه‌ی وکیل بر کرمان نیز تأثیر می‌نهاد. بر پایه‌ی آنچه که گذشت، با آن که تقی خان به دستور وکیل بر کنار و زندانی شده بود، با شفاعت برخی دوستان بخشیده شد و در سمتش ابقا گردید.⁽⁴⁷⁾ ناگفته نماند که بدان روزگار، مراکز مهم شهری مانند یزد، از سوی مقامات انتصابی عضو خاندان‌های نژاده‌ی ایالت اداره می‌شد.⁽⁴⁸⁾ انتصاب این مقامات تئوریک بوده، بیشتر گونه‌ی رسمی داشت. مقامشان ارثی بود و غالباً ملزم به همکاری منظم مالی و نظامی با دولت مرکزی بودند.⁽⁴⁹⁾ تقی خان هم عضو یا وابسته به چنین خاندان‌هایی بود.

از سال 1168 هـ ص 1754 م. که تقی خان یزد را مستقل ساخت، طی چهار سالی که خود مستقلاً بر آن فرمان می‌راند، شهر از تعرض کرمان مصون ماند. ولی پس از سلطه‌ی زندیه بر آن شهر، در سال 1173 هـ ص 1760 م، هنگامی که کریم خان در خمسه اقامت داشت، شاهرخ خان حاکم شورشی کرمان، مجدداً یزد را تصرف کرد⁽⁵⁰⁾ و سقوط یزد، تهدیدی جدی برای اصفهان، پایتخت بالفعل وکیل بود.⁽⁵¹⁾ ولی پس از شکست نصیرخان لاری در سرکوب شاهرخ،⁽⁵²⁾ تقی خان یزدی خطر وی را برای همیشه دفع نمود.

هنگامی که کرمان، به ویژه شهرهای دور افتاده‌ی آن ایالت از سختگیری‌های شاهرخ خان به جان آمده، شورش آغاز کردند، بافق و بهاباد، خاستگاه تقی خان، با تحریک وی، کانون اصلی شورش بود. شاهرخ خان قلعه‌ی بهاباد را به توپ بست ولی حمله‌ی وی با مقاومت سرسختانه‌ی شورشیان که روحیه‌ی نیرومند داشتند، دفع شد و سرانجام هنگامی که تقی خان را در بافق محاصره کرده بود تیر خورد و کشته شد.⁽⁵³⁾ با کشته شدن شاهرخ در 1172 هـ ص 1758 م، به دست نیروهای تقی خان، افزون بر آزاد شدن مجدد یزد، حکومت سیزده ساله‌ی بلامنازع و دردسر ساز شاهرخ در کرمان پایان یافت و سلطه‌ی نیروهای وکیل بر آن ایالت آسان گردید.⁽⁵⁴⁾ اصفهان هم از خطر رهایی یافت.⁽⁵⁵⁾ محمدحسن خان قاجار، مقتدرترین دشمن کریم خان نیز پیشتر کشته شده بود⁽⁵⁶⁾ و بدین سان، سلطنت واقعی وکیل آغاز گشت.

نتیجه گیری

قلمرو کریم خان نیمه‌ی باختری ایران و مرکز آن اصفهان بود. این قلمرو از سوی خراسان نادری تحت الحمایه‌ی احمد شاه درانی تهدید نمی‌شد و گرفتاری وکیل در دو ایالت مرزی قلمروش: یزد و کرمان آغاز گشت. یزد ایالتی کوچک و با فاصله‌ای برابر میان دو ایالت بزرگتر کرمان و اصفهان جای داشت و همواره تابع یکی از آن دو ایالت بود. از این روی، فرمانروایی مقتدر بر کرمان، یزد و سپس اصفهان، پایتخت بالفعل کریم خان و در نتیجه اقتدار وی در سرتاسر قلمروش را تهدید می‌نمود. همزمان، کرمان نافرمانی نموده، تقی خان یزدی، یزد را مستقل خواند. خان زند برای رفع تهدید از اقتدار خود می‌بایست کرمان را مطیع گردانده یا دست کم بر یزدی قدرتمند و با ثبات فرمان می‌راند. در این باره به تقی خان نیاز بود.

خان یزدی، افزون بر پشتوانه‌ی مردمی در ایالت خود و در اختیار داشتن چند هزار تفنگچی زبده، داعیه‌ی سنتی حکومت سیاستمداران بافقی بر کرمان نیز داشت. از این روی، وی برای ایستادگی در برابر کرمان از هر سیاستمدار دیگری بایسته‌تر بود و خان زند پس از تسخیر یزد، او را در سمتش ابقا کرد. همان گونه که پیش بینی می‌شد، شاهرخ خان، حاکم کرمان یزد را تسخیر کرد و اصفهان را تهدید می‌نمود. ولی طی شورش‌ی که تقی خان آن را سازماندهی کرده، رهبری می‌نمود، شاهرخ به دست یک تفنگچی بافقی کشته شد.

یزد مجدداً آزاد و اصفهان از تهدید رها گشت. مهمتر آن که فتح کرمان از سوی نیروهای زندیه آسان گردید.

سالشمار رویدادهای مهم

تاریخ	رخداد
1160 قص 1747 م.	کشته شدن نادرشاه
1162 قص 1748 م.	تاراج یزد از سوی نیروهای اللهیارخان افغان
1168 قص 1754 م.	تاراج و ویران شدن یزد به دست نیروهای محمدامین خان افغان و گریز وی از آن شهر
1168 قص 1754 م.	دفاع موفقیت آمیز مردم یزد به رهبری تقی خان در برابر نیروهای رفیع خان عرب عامری، شکست و کشته شدن رفیع خان
1168 قص 1754 م.	مستقل شدن یزد از سوی تقی خان
1170 قص 1754 م.	شکست نیروهای علی محمدخان حاکم زندی اصفهان از تقی خان و بازگشتش به اصفهان
1171 قص 1757 م.	شکست صادق خان زند و نیروهای علی خان پسر نصیر خان لاری از تقی خان یزدی
1171 قص 1758 م.	تسخیر یزد از سوی ارتش زندیه، برکناری تقی خان از حکومت آن شهر و گماردن آقا محسن یزدی به جای وی
1171 قص 1758 م.	ابقایی (یا انتصاب مجدد) تقی خان بر حکومت یزد
1172 قص 1759 م.	شکست و کشته شدن محمدحسن خان قاجار
1173 قص 1760 م.	تسخیر یزد از سوی نیروهای شاهرخ خان حاکم شورشی کرمان
1174 قص 1760 م.	کشته شدن شاهرخ خان به دست نیروهای تقی خان و آزاد شدن یزد
1174 قص 1760 م.	فتح کرمان از سوی نیروهای زندیه

یادداشت ها

- 1- پری، جان، کریم خان زند، ترجمه: علی محمد ساکی، تهران، فراز، 1365؛ ص 19
- 2- همو، ص 6 و 343
- 3- از جمله بنگرید: نامی، محمدصادق، تاریخ گیتی گشا، تصحیح و مقدمه: سعید نفیسی، تهران، اقبال، 1317، ص 53-50؛ فسائی، حسین حسینی، تاریخ فارسنامه ناصری، ج 1، تهران، سنائی، 1362 ص 210 و غفاری، ابوالحسن، گلشن مراد، به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، زرین، 1369 ص 7-9.
- 4- پری، کریم خان زند، ص 411
- 5- همو، ص 163
- 6- غفاری، گلشن مراد، ص 22-121، 129؛ نامی، تاریخ گیتی گشا ص 16-115 و 125؛ کسروی، احمد، تاریخ پانصد ساله خوزستان، تهران، خواجه، 1362 ص 3-152؛ مالکوم، جان، تاریخ ایران، ترجمه میرزا اسماعیل حیرت، ج 2، تهران، بی نا، 1362 ص 122
- 7- پری، کریم خان زند، ص 328
- 8- فسائی، تاریخ فارسنامه ناصری، ص 219؛ پرتو بیضائی، حسین، «تاریخ الکلام الملوک، مسکوکات تاریخی، بعضی از حالات کریم خان»، مجله یادگار، سال دوم، شماره 7، ص 9-58
- 9- دنلی، عبدالرزاق، تجربه الاحرار و تسلیه الابرار، ج 1، به تصحیح حسن قاضی طباطبایی، تبریز، بی نا، 1349، ص 134
- 10- پری، کریم خان زند، ص 19
- 11- همو، ص 349
- 12- همو، ص 12 و 295
- 13- استرآبادی، میرزا مهدی خان، جهانگشای نادری، به اهتمام ملک دین محمدی، لاهور، مطبعه دین محمدی، 1921، ص 428؛ گلستانه، ابوالحسن بن محمد امین، مجمل التواریخ، به کوشش مدرس رضوی، تهران، بی نا، 1356، ص 6-135
- 14- پری، کریم خان زند، ص 183

- 15- غفاری، گلشن مراد، ص 73 و 74؛ نامی، تاریخ گیتی گشا، ص 90؛ وزیری، احمدعلی خان کرمانی، سالاریه یا تاریخ کرمان، به تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران، بی نا، 1340 ص 316
- 16- وزیری، تاریخ کرمان، ص 20-318
- 17- همو، ص 317
- 18- نامی، تاریخ گیتی گشا، ص 91؛ غفاری، گلشن مراد، ص 7-64
- 19- نائینی، محمدجعفر بن محمدحسین «طرب»، جامع جعفری، به کوشش ایرج افشار، تهران، انجمن آثار ملی، 1353، ص 11-307
- 20- قلمسیاه، اکبر، یزد در سفرنامه ها، مؤسسه انتشارات یزد، 1373، ص 51؛ پری، کریم خان زند، ص 183
- 21- پری، کریم خان زند، ص 183
- 22- پس از تثبیت دولت وکیل و ایجاد ثبات در قلمروش، جمعیت تقریبی یزد 50000 نفر و از جمعیت پایتختها یعنی اصفهان و شیراز که هریک حدود 40000 نفر جمعیت داشتند، بیشتر بود (پری، کریم خان زند، ص 3-332)
- 23- قلمسیاه، یزد در سفرنامه ها، ص 2، 3، 40 و 128
- 24- پری، کریم خان زند، ص 349 و 361
- 25- قلمسیاه، یزد در سفرنامه ها، ص 7
- 25- همو، ص 2
- 27- Hambly, Gavin and Charles Melville, The Cambridge History of Iran, vol. 7, edited by Peter Avery, Great Britain, Cambridge university press, 1991**
- ص 58
- آثار به یادگار مانده از استحکامات در حدود شرقی ایالت یزد، گویای این واقعیت تاریخی است (بنگرید: افشار، ایرج، یادگار های یزد، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، 1374).
- 28- طرب، جامع جعفری، ص 402-394

29- Hambly, 58. ص 1991

30- وزیر، تاریخ کرمان، ص 688

31- غفاری، گلشن مراد، ص 41؛ نامی، تاریخ گیتی گشا، ص 6-75

32- Hambly, 1991. ص 83

33- طرب، جامع جعفری، ص 5-454

34- دنبلی، تجربه الاحرار و تسلیه الابرار، ص 134

35- پری، کریم خان زند، ص 5-194

36- همو، ص 176

37- همو، ص 93 و 187

38- غفاری، گلشن مراد، ص 42 و 43؛ نامی، تاریخ گیتی گشا، ص 8-76

39- فسایی، تاریخ فارسنامه ناصری، ص 211

40- غفاری، گلشن مراد، ص 42 و 43؛ نامی، تاریخ گیتی گشا، ص 8-76

41- غفاری، گلشن مراد، ص 41؛ نامی، تاریخ گیتی گشا، ص 8-76

42- بناهای عام المنفعه‌ی بسیاری از تقی خان در یزد به یادگار مانده که برخی همچنان مورد استفاده و بسیاری نیز توریستی است. مجموعه‌ی خان که شامل بازار، میدان، مدرسه، کاروانسرا و حمام خان است و دیگر بناها که از همه معروفتر باغ دولت آباد می‌باشد، از آن جمله اند. اینها دلیل روشنی است بر توجه خان یزدی به رفاه مردم یزد در روزگار خود. برای دریافت دانسته‌های بیشتر در این باره، بنگرید: طرب، جامع جعفری. ن.

43- وزیر، 1340، ص 231؛ طرب، جامع جعفری، ص 422

44- همان جا.

45- طرب، جامع جعفری، ص 5-293

46- همو، ص 5-293 و 299

- 47- نامی، تاریخ گیتی گشا، ص 76
- 48- پری، کریم خان زند، ص 320
- 49- همو، ص 310
- 50- طرب، جامع جعفری، ص 420
- 51- غفاری، گلشن مراد، ص 74
- 52- طرب، جامع جعفری، ص 681
- 53- وزیری، تاریخ کرمان، ص 231؛ طرب، جامع جعفری، ص 422
- 54- غفاری، گلشن مراد، ص 74 و 75؛ نامی، تاریخ گیتی گشا، ص 91؛ طرب، جامع جعفری، ص 422؛
دنبلی، 2، تجربه الاحرار و تسلیه الابرار، ص 35
- 55- تقی خان بعدها لشکرکشی ناموفقی را به کرمان فرماندهی کرد. در سال 9 - 1178هـ.، ص 1765م، همزمان با شورش تقی درانی در کرمان، خان یزدی که پس از ابقایش در حکومت یزد، همواره سعی در اثبات دوستی و صمیمیت خود با کریم خان داشت، با این هدف و احتمالاً با نیت اعاده‌ی حکومت سیاستمداران بافقی بر ولایت کرمان، با اصرار از خاندان زند درخواست مأموریت کرمان می نمود. ولی در دستگاه کریم خان، دربار و نظامیگری به گونه‌ای زیرکانه از هم جدا بودند. خان زند فرماندهی مأموریت های بزرگ نظامی را به خویشاوندان خود و افسران بر جسته‌ی متحدان ایلیاتش واگذار می نمود. سیاستمداران و درباریان غیر نظامی هرگز جرأت نامزدی چنین مأموریت هایی را نداشتند. تنها یک بار و استثنائاً درخواست تقی خان بافقی برای اردوکشی به کرمان پذیرفته شد که آن هم به شکستی مفتضحانه انجامید (غفاری، گلشن مراد، ص 7-76؛ نامی، تاریخ گیتی گشا، ص 41 و 42، 3-142؛ وزیری، 1340، ص 6-325). با این حال، همان گونه که گذشت، خان یزدی پیشتر در فتح کرمان و تثبیت سلطنت وکیل نقشی بر جسته ایفا نموده بود.
- 56- طرب، جامع جعفری، ص 681